

تاریخ نگاری محلی ایران

در دوره اسلامی

(قاسده هفتم هجری)

دکتر عبدالرحیم قنوات

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

۱۳۹۳ زمستان

قنوات، عبدالرحیم - ۱۳۹۴

تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم هجری) / عبدالرحیم قنوات. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۳.

سیزده، ۴۳۴ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۸۵) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ ۱۸۶۳) (۴۲). تاریخ؛ ۶۰) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ ۱۸۶۳) (۴۲). تاریخ؛ ۶۰) (۴۲).

ISBN: 978-600-298-047-2

بها: ۱۵۷۰۰۰ ریال

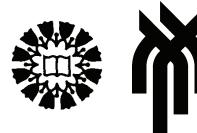
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۳۶۵]-[۳۷۲] همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.

۱. تاریخ‌نویسی اسلامی - ایران - قرن ۱-۷ق. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ج. عنوان. ۹۰۷/۲۰۱۷۶۷۱ DS ۳۵/۶۵ ۱۳۹۳ ت ۹ ق/۲

شماره کتابشناسی ملی

۳۶۲۰۳۰۲



تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم هجری)

مؤلف: دکتر عبدالرحیم قنوات

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

ناشران: «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز

تحقیق و توسعه علوم انسانی»

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۵۷۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پرده‌سان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۱۰۰، (نتشارات)، ۰۳۱۱۳۰۰، نمبر: ۲۳۸۰۳۰۹۰

تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی آسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۶۹۷۸۹۲۰ و ۰۶۶۴۰۲۶۰۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، رو به روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

تلفن: ۰۴۴۲۳۴۸۴۲۳، نمبر: ۰۴۴۲۴۸۷۷۷ تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۹ و ۱۰۷ - تلفن: ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، نمبر: ۰۶۶۴۰۵۶۷۸

Website: www.samt.ac.ir

Email: info@samt.ac.ir

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

تاریخ روشنگر نسل‌های آینده است.

صحیفه نور، ج ۲، ص ۸۴

پیام پژوهش

نیازگستره دانشگاهها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند، امکانات موجود با همکاری دانشگاهها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، پنجاه و ششمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم هجری) به جامعه علمی کشور عرضه می‌کند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته‌های تاریخ و تاریخ و تمدن اسلامی در مقاطع مختلف تهیه و تدوین شده است. امید است افراد بر جامعه دانشگاهی، دیگر علاقهمندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

در پایان لازم می‌دانیم از گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در انجام این پژوهش و نیز مؤلف محترم جناب آقای دکتر عبدالرحیم قنوات و نیز از ارزیاب محترم استاد هادی عالمزاده تشکر و قدردانی نماییم.

سازمان سمت

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فهرست مطالب

۱	مقدمه
فصل اول: تعریف‌ها و کلیات		
۵	۱. تاریخ‌نگاری محلی چیست؟
۵	۲-۱. محتوای تاریخ‌های محلی
۶	۲-۲. تاریخ‌نگاری محلی ایران
۸	۲-۳. پیشینه و تاریخچه موضوع
۹	۲-۴. اهمیت پژوهش در تاریخ‌نگاری محلی ایران
۱۴	۲-۵. عکاربرد نتایج پژوهش در تاریخ‌نگاری محلی ایران
۱۶	۲-۶. پرسش‌ها و فرضیه‌ها
۱۶	۲-۷. مأخذشناسی
۱۷	۲-۸-۱. (الف) تاریخ‌های محلی
۱۷	۲-۸-۲. (ب) کتاب‌شناسی‌ها
۱۸	۲-۸-۳. (ج) زندگینامه‌ها
۱۹	۲-۸-۴. (د) تاریخ‌های دیگر
۲۰	۲-۸-۵. (ه) منابع جغرافیایی
۲۱	۲-۸-۶. (و) کتاب‌های ادبی
۲۱	۲-۸-۷. (ز) تکنگاری‌هایی درباره تاریخ‌نگاری و موزخان
۲۲	۲-۸-۸. آغاز تاریخ‌نگاری محلی ایران
۲۳	۲-۸-۹. آغاز ضعف تاریخ‌های محلی ایران
۲۵	۲-۸-۱۰. موارد ضعف تاریخ‌های محلی ایران
۲۵	۲-۸-۱۱. تضعیف اتحاد و یکپارچگی در قلمرو تمدن اسلامی

۱۰-۱. تضعیف بینش جهان‌شمول مورخان مسلمان	۲۵
۱۰-۲. مبالغه در بیان فضایل و محاسن	۲۶
۱۰-۳. نقل اساطیر و افسانه‌ها و روایات نادرست	۲۶
۱۰-۴. انواع تاریخ‌های محلی ایران	۲۸
۱۱-۱. شمار تاریخ‌های محلی ایران تا سده هفتم هجری	۳۰
فصل دوم: تاریخ‌نامه‌های محلی	
پراکندگی زمانی تاریخ‌نامه‌های محلی	۳۱
پراکندگی جغرافیایی تاریخ‌نامه‌های محلی	۳۱
۱-۱. دوره اول؛ کتاب‌های فتوح (نیمه سده دوم تا نیمه سده سوم هجری)	۳۲
۱-۲. تکنگاری‌های فتوح	۳۲
نویسندهان کتاب‌های فتوح	۳۵
جایگاه نویسندهان کتاب‌های فتوح	۳۵
انگیزه‌های نویسندهان کتاب‌های فتوح	۳۷
۱. انگیزه علمی	۳۷
۲. انگیزه‌های قومی و قبیله‌ای	۳۷
پراکندگی جغرافیایی تکنگاری‌های فتوح	۳۸
زبان کتاب‌های فتوح	۳۹
ساختار و محتواي کتاب‌های فتوح	۳۹
مهم‌ترین کتاب‌های فتوح	۴۱
مخاطبان کتاب‌های فتوح و کاربرد آنها	۴۱
کتاب‌شناسی تکنگاری‌های فتوح	۴۴
۱. کتاب فتوح العراق	۴۴
۲. کتاب فتوح خراسان	۴۷
۳. کتاب فتوح خراسان	۴۸
۴. کتاب فتوح خراسان	۴۹
۵. کتاب فتوح العراق	۵۰
ع. کتاب فتوح فارس	۵۱
۷. کتاب فتوح العراق	۵۱
۸. کتاب خراسان	۵۲
۹. کتاب فتوح الاهواز	۵۴
۱۰. کتاب السواد و فتحه	۵۵

٥٥	١١. کتاب فتح الأُبَلَه
٥٦	١٢. کتاب فتوح الاهواز
٥٨	١٣. کتابُ خبرُ البصرة و قُتُوْجُها
٥٩	١٤. کتاب فتوح جرجان و طبرستان
٦٠	١٥. کتاب فتوح جبال طبرستان
٦٠	١٦. کتاب فتوح الحیره
٦١	١٧. کتاب فتوح الرَّى
٦١	١٨. کتاب فتوح سجستان
٦٢	١٩. کتاب فتح مکران
٦٢	٢٠. کتاب فتح کابل و زابلستان
٦٢	٢١. کتاب کرمان
٦٢	٢٢. کتاب فارس
٦٣	٢٣. کتاب فتوح العراق
٦٤	٢٤. کتاب فتوح خراسان
٦٩	٢-١-٢. دیگر تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره
٦٩	پراکندگی جغرافیایی این تاریخ‌نامه‌ها
٧٠	نویسنده‌گان این تاریخ‌نامه‌ها، جایگاه و انگیزه‌های آنان
٧٠	زبان این تاریخ‌نامه‌ها
٧٠	ساختار و محتوای این تاریخ‌نامه‌ها
٧١	مهم‌ترین این تاریخ‌نامه‌ها
٧١	کتاب‌شناسی دیگر تاریخ‌نامه‌های این دوره
٧١	۱. کتاب خراج خراسان
٧٢	۲. کتاب فی الدولة العباسية و امراء خراسان
٧٤	۳. [خبر مرو]
٧٥	۴. کتاب الحیره
٧٦	۵. کتاب الحیرة و تسمية الیبع والديارات و نسب العباد
٧٧	۶. کتاب الرَّى و امر العلوی
٧٧	۷. کتاب طبرستان ایام الرشید
٧٧	۷-۱-۲. جمع‌بندی
٧٨	اهمیت تاریخ‌نامه‌های این دوره
٧٩	امکان بازسازی تاریخ‌نامه‌های این دوره
٨٠	۲-۲. دوره دوم؛ پیدایش کتاب‌های فضائل و محاسن (حدود نیمه سده سوم تا...)

۸۰	انگیزه‌های نویسنده‌گان در این دوره
۸۱	جایگاه نویسنده‌گان تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره
۸۲	پراکندگی جغرافیایی تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره
۸۳	زبان تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره
۸۳	مخاطبان تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره
۸۴	ساختار و محتوای تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره
۸۶	مهم‌ترین تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره
۸۶	اهمیت تاریخ‌نامه‌های محلی این دوره در بررسی تاریخ ایران پیش از اسلام
۸۸	آنچه از تاریخ‌نامه‌های محلی این دوره باقی است
۸۸	کتاب‌شناسی تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره
۸۸	۱. کتاب فتوح خراسان
۹۰	۲. تاریخ مرو
۹۱	۳. قلائد الشرف فی مفاخر اصبهان
۹۳	۴. کتاب الثار
۹۴	۵. مفاخر خراسان
۹۵	۶. مفاخرة اهل کس و نسف
۹۶	۷. فضائل بلخ
۹۸	۸. [محاسن اهل خراسان]
۹۸	۹. کتاب فضائل خراسان
۹۹	۱۰. [تاریخ قم]
۹۹	۱۱. کتاب اصبهان
۱۰۴	۱۲. کتاب همدان
۱۰۶	۱۳. تاریخ بخارا
۱۱۰	۱۴. محتوای کتاب
۱۱۲	۱۵. تاریخ بخارا
۱۱۲	۱۶. تاریخ قم
۱۱۳	انگیزه‌های قمی در نوشتن تاریخ قم
۱۱۴	منابع قمی
۱۱۵	ترجمه کتاب
۱۱۶	محتوای کتاب
۱۱۹	چاپ‌های تاریخ قم
۱۲۰	۱۶. تاریخ جیل و دیلم

۱۷. مزید التاریخ فی اخبار خراسان	۱۲۱
۱۸. عَقْدُ سِحْرٍ وَ قَلَائِدَ ذُرٍّ (عَقْدُ السِّحْرِ وَ قَلَائِدَ الذُّرِّ)	۱۲۲
۱۹. [تاریخ آذربایجان]	۱۲۵
۲۰. اخبار الجبل	۱۲۶
۲۱. اخبار سیستان	۱۲۸
۲۲. فضائل سجستان	۱۲۹
۲۳. تاریخ الرزی	۱۳۰
۲۴. کتاب المسامرة فی اخبار خوارزم	۱۳۲
۲۵. زیادات اخبار خوارزم	۱۳۴
۲-۳. دوره سوم؛ پیدایش کتاب‌های فارسی (حدود نیمه سده پنجم تا پایان سده هفتم هجری)	۱۳۵
پراکندگی جغرافیایی تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره	۱۳۵
نویسنده‌گان تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره	۱۳۵
انگیزه‌های نویسنده‌گان تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره	۱۳۵
جایگاه نویسنده‌گان تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره	۱۳۶
زبان تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره	۱۳۷
ساختار و محتوای تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره	۱۳۸
یک تاریخ‌نامه منحصر به فرد	۱۳۹
اهمیت تاریخ‌نامه‌های محلی این دوره در بررسی تاریخ ایران	۱۳۹
مخاطبان تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره	۱۴۱
آنچه از تاریخ‌نامه‌های محلی این دوره باقی است	۱۴۲
كتاب‌شناسی تاریخ‌نامه‌های محلی در این دوره	۱۴۲
۱. باوندانم	۱۴۲
۲. تاریخ سیستان	۱۴۴
بخش‌های کتاب	۱۴۵
قدمت این بخش	۱۴۸
منابع این بخش	۱۴۹
نفو و زبان این بخش	۱۴۹
نسخه، چاپ‌ها و ترجمه کتاب	۱۵۰
۳. محاسن اصفهان	۱۵۱
ترجمه و مترجم	۱۵۴
۴. فارسنامه	۱۵۶
۵. تاریخ بیهق	۱۵۹

٦٤	عقد الثلی لِمَوْقِفِ الْأَعْلَى
٦٧	٧. بَدَايْعُ الْأَزْمَانِ فِي وَقَائِعِ كَرْمَانِ
٦٨	٨. الْمُضَافُ إِلَى بَدَايْعِ الْأَزْمَانِ فِي وَقَائِعِ كَرْمَانِ
٦٩	٩. تَارِيخُ طَبْرِسْتَانِ
 فصل سوم: زندگینامه‌های محلی ١٩٣	
١٩٣	مقدمة
١٩٤	پراکنده‌گی زمانی زندگینامه‌های محلی
١٩٤	پراکنده‌گی جغرافیایی زندگینامه‌های محلی
١٩٥	١-٣. زندگینامه‌های محلی دینی
١٩٥	پراکنده‌گی زمانی زندگینامه‌های محلی دینی
١٩٦	پراکنده‌گی جغرافیایی زندگینامه‌های محلی دینی
١٩٦	جایگاه نویسنده‌گان زندگینامه‌های محلی دینی
١٩٨	عوامل و انگیزه‌های تألیف زندگینامه‌های محلی دینی
٢٠١	مخاطبان و کاربردهای زندگینامه‌های محلی دینی
٢٠٢	زیان زندگینامه‌های محلی دینی
٢٠٢	الف) ماهیت و محتوا این زندگینامه‌ها
٢٠٣	ب) مخاطبان خاص و غیربومی این آثار
٢٠٣	ج) تأثیرناپذیری از نهضت شعوبیه
٢٠٤	ساختار و محتوا از زندگینامه‌های محلی دینی
٢١٠	اهمیت زندگینامه‌های محلی دینی
٢١٠	آنچه از زندگینامه‌های محلی دینی باقی است
٢١٢	كتاب‌شناسی زندگینامه‌های محلی دینی
٢١٢	١. تاریخ هرات
٢١٣	٢. التاریخ فی رجال المحدثین بمرو
٢١٤	٣. تاریخ مرو
٢١٥	٥. تاریخ اصفهان
٢١٧	٦. تاریخ المراوزه
٢١٨	٧. تاریخ بلخ
٢١٩	٨. [طبقات علماء بلخ]
٢٢٠	٩. تاریخ هرات
٢٢٠	١٠. كتاب طبقات بلخ

۲۲۲	۱۱. طبقات همدان
۲۲۲	۱۲. کشف الآثار
۲۲۳	۱۳. تاریخ بلخ
۲۲۵	۱۴. طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها
۲۳۱	۱۵. تاریخ مرو
۲۳۲	۱۶. تاریخ همدان
۲۳۴	۱۷. تاریخ نیشابور
۲۴۰	ترجمه تاریخ نیشابور
۲۴۱	چاپ‌های تاریخ نیشابور
۲۴۲	خلاصه‌های تاریخ نیشابور
۲۴۲	۱۸. تاریخ اصفهان
۲۴۴	۱۹. تاریخ استرآباد
۲۴۷	۲۰. تاریخ سمرقند
۲۴۹	۲۱. [کتاب خراسان]
۲۴۹	۲۲. تاریخ اصفهان
۲۵۱	۲۳. کتاب البهجة
۲۵۲	۲۴. تاریخ بخارا
۲۵۵	۲۵. تاریخ جرجان
۲۶۲	۲۶. ذکر اخبار اصفهان
۲۶۷	۲۷. تاریخ نسف
۲۷۱	۲۸. تاریخ سمرقند
۲۷۱	۲۹. الزیادات لتأریخ بخارا لعنجر
۲۷۲	۳۰. تاریخ قزوین و فضائلها
۲۷۳	۳۱. تاریخ اصفهان
۲۷۵	۳۲. تاریخ مرو
۲۷۷	۳۳. طبقات اهل شیراز و فارس
۲۷۸	۳۴. تاریخ شیراز
۲۸۰	۳۵. تاریخ ابیورد (نژهه الحفاظ)
۲۸۲	۳۶. [تاریخ خراسان]
۲۸۲	۳۷. تاریخ همدان
۲۸۵	۳۸. تاریخ اصفهان
۲۸۷	۳۹. [ذیل تاریخ همدان شیرویه]

٤٠. السیاق لتأریخ نیسابور	۲۸۷
خلاصه‌های السیاق	۲۸۹
٤١. اخبار علماء بلخ	۲۹۱
٤٢. القد فی معرفة علماء سمرقند	۲۹۱
٤٣. تاریخ هرات	۲۹۳
٤٤. تاریخ هرات	۲۹۴
٤٥. تاریخ البطائح	۲۹۸
٤٦. تاریخ بلخ	۳۰۰
٤٧. معجم اصفهان	۳۰۱
٤٨. تاریخ الرزی	۳۰۲
٤٩. تاریخ مرو	۳۰۴
٥٠. تاریخ مرو	۳۰۵
٥١. التدوین فی اخبار قزوین	۳۰۸
نسخه‌های کتاب	۳۰۹
موضع کتاب	۳۰۹
منابع رافعی قزوینی	۳۱۵
٥٢. اخبار علماء خراسان	۳۱۶
٢-٣. زندگینامه‌های محلی غیر دینی	۳۱۶
پراکندگی زمانی زندگینامه‌های محلی غیر دینی	۳۱۷
پراکندگی جغرافیایی زندگینامه‌های محلی غیر دینی	۳۱۷
نویسندهان زندگینامه‌های محلی غیر دینی	۳۱۸
عوامل و انگیزه‌های تألیف زندگینامه‌های محلی غیر دینی	۳۱۸
زبان زندگینامه‌های محلی غیر دینی	۳۱۹
مخاطبان زندگینامه‌های محلی غیر دینی	۳۱۹
ساختار و محتوای زندگینامه‌های محلی غیر دینی	۳۲۰
جایگاه زندگینامه‌های محلی غیر دینی	۳۲۱
آنچه از زندگینامه‌های محلی غیر دینی باقی مانده است	۳۲۲
كتاب‌شناسی زندگینامه‌های محلی غیر دینی	۳۲۲
۱. تاریخ ولاده خراسان	۳۲۲
۲. تُناء اهل جرجان و اصحاب المُرُوءات منهُم	۳۲۷
۳. کتاب شعراء اصبهان	۳۲۸
۴. کتاب ولاده هراة	۳۲۸

۳۲۹	۵. [شعراء بلخ]
۳۲۹	۶. تاریخ خوارزم
۳۳۱	۷. فضائل بلخ
فصل چهارم: چند تاریخ محلی ناشناخته	
۳۳۷	۱. کتاب مفاخر نیشابور
۳۳۷	۲. الکافی
۳۳۹	۳. تاریخ عسکر مُکْرَم
۳۴۰	۴. کتاب اصفهان
۳۴۱	۵. [تاریخ اصفهان]
۳۴۱	۶. [تاریخ آذربیجان]
۳۴۲	۷. تاریخ الانبار
۳۴۲	۸. تاریخ آذربیجان
۳۴۳	۹. تاریخ مراغه
۳۴۳	۱۰. تاریخ اصفهان
۳۴۵	۱۱. تاریخ اصفهان
۳۴۶	۱۲. تاریخ شیراز
۳۴۶	۱۳. تاریخ بخارا و سمرقند
۳۴۷	۱۴. تاریخ بیهق
۳۴۷	۱۵. تاریخ خوارزم
۳۴۸	۱۶. تاریخ خوارزم
۳۴۸	۱۷. تاریخ نیشابور
۳۴۹	۱۸. تاریخ قهستان
۳۴۹	۱۹. ذکر مفاخر خراسان
۳۵۱	جمع‌بندی
۳۵۹	ضمیمه‌ها
۳۶۵	منابع و مأخذ
۳۷۳	نمایه‌ها

مقدمه

نگارنده در این کتاب بیش از هر چیز در پی به دست دادن گزارشی دقیق از تاریخ‌نگاری محلی ایران تا پایان سده هفتم هجری قمری بوده است. البته این بدان معنی نیست که به نقد و نظر و مقایسه و تحلیل در جریان این تحقیق توجهی نشده باشد، بلکه به داشتن این باور باز می‌گردد که مهم‌ترین وظیفه یک سورخ، توصیف دقیق یک واقعه یا جریان است و تحلیل‌ها تنها پس از آنکه حتی المقدور توصیفی همه‌جانبه از حادثه یا جریانی صورت پذیرفت، ظاهر می‌شوند و اصولاً ممکن می‌گردد.

پژوهش حاضر امتیازاتی چند دارد: نخست، تازه بودن موضوع آن است. تا آنجا که بررسی شده، تاکنون – دست‌کم به زبان فارسی – چنین تحقیقی با چنین جامعیتی صورت نپذیرفته است. فراهم آوردن فهرستی نسبتاً کامل از تاریخ‌های محلی ایرانی در دوره زمانی یادشده (۱۴۲ عنوان)^۱ و مطالبی درباره یکایک این آثار، برای نخستین‌بار، در این پژوهش

۱. تکمیل فهرست تاریخ‌های محلی ایران از طریق مطالعه و جستجو در منابع گوناگون صورت پذیرفته است: مهم‌ترین منابع، فهرست‌ها و کتاب‌شناسی‌ها بوده‌اند. از آن جمله می‌توان به فهرست مختصر ابن‌فندق در مقدمه تاریخ ییهق از تاریخ‌های محلی ایران و فهرست مختصر رافعی قزوینی در مقدمه کتاب التدوین فی اخبار قزوین و فهرست ابن‌الخطيب در مقدمه کتاب الاحاطة فی اخبار غرناطه اشاره کرد، همچنین از فهرست‌هایی که برخی تصحیح‌کنندگان تاریخ‌های محلی در مقدمه خود بر این کتاب‌ها آورده‌اند، استفاده شده است، از آن جمله می‌توان به فهرست مدرس رضوی در مقدمه بر تاریخ بخارا، فهرست برالبلوشی در مقدمه بر طبقات المحدثین باصبهان و فهرست شفیعی کدکنی در مقدمه بر تاریخ نیشابور اشاره کرد. مهم‌تر و پیش‌تراز همه باید از فهرست ارائه شده از سوی سخاولی در کتاب الاعلان بالتوییخ لمن ذم اهل التاریخ نام برد که مفصل‌ترین فهرست در این زمینه است. نیز می‌توان به فهرست ارائه شده از سوی حاجی خلیفه در کشف الظنون، فهرست بروکلمان در تاریخ الادب العربي، فهرست سرگین در تاریخ التراث العربي، فهرستی که بارتولد در مقدمه ترکستان‌نامه به دست داده است، فهرست تاریخ‌های طبرستان در مقاله کسری با عنوان «تاریخ طبرستان و یادداشت‌های ما»، کتاب‌شناسی آثار مربوط به قم

صورت پذیرفته است. شاید اشاره به این موضوع لازم باشد که تا پیش از این، جامع‌ترین فهرستی که از تاریخ‌های محلی ایرانی فراهم آمده، فهرست عبدالرحمن سخاوی در کتاب *الاعلان بالتوییخ* لمن ذم اهل التاریخ است که ضمن معرفی تاریخ‌های محلی اسلامی، از حدود پنجاه عنوان تاریخ شهرها و نواحی ایران نیز نام برده است. اهمیت این موضوع وقتی آشکار می‌گردد که توجه خواننده محترم را به این نکته جلب کنیم که از پیش از ۱۴۰ عنوان کتاب شناسایی شده، تنها از حدود بیست عنوان نسخه‌هایی کامل یا ناقص باقی مانده و از دیگر کتاب‌ها تنها می‌توان در منابع و مأخذ‌گوناگون و پراکنده نشانی و گاه تنها نامی جست.

جز این، باید به تازگی بحث مربوط به تکنگاری‌های فتوح و قلمداد کردن آنها به عنوان نخستین تاریخ‌های محلی ایران در فصل دوم این تحقیق اشاره کرد. این موضوع تا به امروز مورد توجه نویسنده‌گانی که به نوشتن آثاری درباره تاریخ‌نگاری محلی ایران پرداخته‌اند، قرار نگرفته و تا آنجا که نگارنده جستجو کرده، فرانتس روزنتال^۱ تنها به امکان داشتن چنین تلقی‌ای از این کتاب‌ها اشاره‌ای کرده، ولی این نظر را پی نگرفته است. احمد کسری نیز در حد نام بردن از یکی از این کتاب‌ها به عنوان اولین تاریخ طبرستان، به آن توجه نشان داده است.

از مدرسي طباطبائي، فهرست مختصر موجود در کتاب‌های علم تاریخ در گستره تمدن اسلامي اثر صادق آينه‌وند و تاریخ‌نگاری در اسلام اثر سید صادق سجادی و هادي عالم‌زاده اشاره کرد. کتاب مهم روزنتال، *A History of Muslim Historiography* نيز اگرچه يك فهرست يا کتاب شناسی به شیوه مشهور نیست، ولی از فصل مربوط به تاریخ‌های محلی آن می‌توان برای تکمیل فهرست مورد نظر استفاده کرد.

از فهرست‌ها و کتاب‌شناسی‌ها گذشته، زندگینامه‌ها نیز برای استخراج نام برخی آثار، مورد استفاده قرار گرفته‌اند: در این دسته آثار عموماً ذیل نام هر مؤلف، از آثار او نیز یاد شده است. از آن جمله می‌توان به الرجال نجاشی، تاریخ بغداد خطیب بغدادی، وفاتات الاعیان ابن خلکان، مجمع الآبافی معجم الالقباب ابن فوطی، لسان المیزان ابن حجر عسقلانی، شذرات الذهب ابن عmad حنبلي، الاعلام زرکلی و بهویژه سه کتاب مهم معجم الادباء یاقوت حموی، الاساب سمعانی و تاریخ الاسلام حافظ ذهبي اشاره کرد (که البته قلمداد کردن آن به عنوان یک کتاب زندگینامه با اندکی تسامح همراه است). از دیگر منابع مورد استفاده در تکمیل فهرست تاریخ‌های محلی ایران، کتاب‌های جغرافیایی و به صورت ویژه کتاب مهم و مشهور معجم البلدان، اثر یاقوت حموی بوده است. بسیاری از تاریخ‌های عمومی از جمله زن الاخبار گردیزی، الكامل ابن اثیر، البدایه والنهایه ابن‌کثیر، جهانگشای جوینی و مجلل التواریخ والقصص نیز از منابعی بوده‌اند که برای تکمیل فهرست کتاب‌ها، بدانها مراجعه شده است. آثار ادبی مانند یتیمة الدهر فی محسن اهل العصر ثعالبی، دمیة القصر و عصرة اهل باخرزی، انباه الزواة علی انباه النّحاة جمال الدین فقط و تاریخ ادبیات ذبیح‌الله صفا نیز در این جستجو مورد مراجعته قرار گرفته‌اند. برخی نرم‌افزارهای کامپیوتوئی موجود نیز برای تکمیل فهرست تاریخ‌های محلی ایران مورد استفاده واقع شده‌اند. از آن جمله می‌توان از دو نرم‌افزار نورالسییره (جامع منابع تاریخ اسلام) و تراث (جامع منابع فرهنگ و ادب) نام برد.

1. Franz Rosenthal

ارائه تقسیم‌بندی تازه از تاریخ‌های محلی ایران، از دیگر ویژگی‌های این پژوهش است. آنچه تاکنون جریان داشته و معتبر تلقی شده، تقسیم‌بندی روزنたال از تاریخ‌های محلی اسلامی است که عمدتاً ناظر به موضوع این آثار است و براساس آن، کل این تاریخ‌ها به دو دسته دینی و دنیوی تقسیم شده‌اند. اما تقسیم‌بندی مطرح در این پژوهش مبتنی بر فرم و ساختار تاریخ‌های محلی است و براساس آن، تاریخ‌های محلی ایرانی تا سده هفتم هجری به دو دسته «تاریخ‌نامه‌های محلی» و «زنگین‌نامه‌های محلی» تقسیم شده‌اند و در ذیل هر عنوان نیز از دوره‌ها و انواع آنها سخن به میان آمده است.

از دیگر نکات تازه‌ای که در این کتاب مطرح شده، توجه به موضوع زبان در انواع تاریخ‌های محلی ایران و قرار دادن این ویژگی به عنوان مبنایی برای بعضی تقسیم‌بندی‌های فرعی‌تر این آثار است. این کتاب البته از آراء و نظرهای دیگر خالی نیست که خواننده محترم در جریان مطالعه متن، به آنها دست می‌یابد.

آنچه اکنون پیش روی شماست، در ۴ فصل تدوین شده است:

فصل اول به تعریف‌ها و بیان کلیاتی درباره موضوع، معرفی پیشینه تحقیق، معرفی منابع و مطالبی از این دست اختصاص یافته است.

در فصل دوم به معرفی و تحلیل و بررسی تاریخ‌نامه‌های محلی پرداخته شده است و از شمار این کتاب‌ها، دوره‌های زمانی آنها، پراکندگی جغرافیایی، ساختار و محتوا، زبان، مخاطبان، کاربرد و اهمیت این آثار و نیز نویسنده‌گان آنها و جایگاه و انگیزه‌های ایشان سخن به میان آمده است. در پایان نیز کتاب‌شناسی مفصل این آثار ارائه شده است.^۱

فصل سوم به معرفی زندگینامه‌های محلی به همین ترتیب اختصاص یافته است.

در فصل چهارم شماری دیگر از تاریخ‌های محلی معرفی شده‌اند که اطلاعات اندکی درباره آنها در دست است و امکان گنجاندن آنها در ذیل یکی از دو عنوان تاریخ‌نامه یا زندگینامه‌های محلی وجود ندارد.

در پایان نیز، ذیل عنوان «جمع‌بندی»، به جمع‌بندی مهم‌ترین مطالب مطرح شده در متن کتاب پرداخته‌ایم.

۱. درباره کتاب‌شناسی‌ها باید به این نکته اشاره کرد که در مواردی نام و عنوان کتابی میان علامت کروشه [] قرار گرفته است. این در مواردی است که نام دقیق آن اثر معلوم نبوده و ما براساس اطلاعات موجود و مناسب با محتوای کتاب، عنوانی برای آن برگزیده و در میان این علامت آورده‌ایم.

با تهیه نمودارها و جدول‌هایی کوشش شده تصویری روشن‌تر از آمار و اطلاعات مطرح شده در متن ارائه شود، با توجه به این نکته که زیادی نمودارها و جدول‌ها، ماهیت پژوهش را تحت تأثیر قرار ندهد.

افزون بر این، دو فهرست راهنمایی نیز فراهم شده است: نخست فهرست جغرافیایی این آثار که خوانندگانی را که در پی شناخت کتاب‌های شهر یا ناحیه‌ای خاص هستند، به کار می‌آید؛ دوم فهرست الفبایی همه آثار تاریخ‌نگاری محلی ایران تا سده هفتم هجری که برای عموم خوانندگان مفید است. ذکر این نکته هم ضروری است که شماری از تاریخ‌های محلی ایران دارای دو و گاه بیش از دو نام هستند؛ اسمی و عنوانیں کامل کتاب‌ها در این فهرست‌ها ثبت شده و معمولاً عنوانی‌ی که شهرت کمتری دارند، به عنوان شناخته شده‌تر ارجاع داده شده‌اند.

اگر این سخن مایکل استنفورد^۱ را بپذیریم که تاریخ عبارت است از یک گفتگوی بی‌پایان،^۲ شاید بتوان این گزاره را نیز پذیرفت که پژوهش تاریخی عبارت است از یک جستجوی بی‌پایان. بر این اساس، کدام تحقیق و مطالعه تاریخی است که بتوان آن را کامل و خاتمه یافته تلقی کرد؟ آنچه پیش روی خواننده محترم است، حاصل توانایی و تلاش این جانب در چهارچوب امکانات موجود و در مدت زمانی معین بوده است. امیدوارم در گذر زمان فرصت بیشتری برای تکمیل این کتاب و رفع کمبودهای آن فراهم آید.

در پایان، شایسته است سپاس خود را از آقایان دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر محمدعلی چلونگر و دکتر مرتضی نورایی، که در نوشتمن این اثر از راهنمایی‌های آنان بهره برده‌ام، ابراز دارم. دوست گرامی، آقای دکتر منصور داداش‌نژاد، نیز در تهیه شماری از منابع این تحقیق، مرا پاری رساندند که از ایشان هم سپاسگزارم، استاد بزرگوار، جناب آقای دکتر هادی عالم‌زاده، ضمن مطالعه متن کتاب، نکات متعددی را یادآوری و اصلاح کردند. تشکر و قدردانی خود را به حضور ایشان نیز تقدیم می‌دارم.

عبدالرحیم قنوات

1. Michael Stanford

2. استنفورد، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ص ۱۱.

فصل اول

تعریف‌ها و کلیات

۱-۱. تاریخ‌نگاری محلی چیست؟

فرانس روزنال برای آثار تاریخی معیاری به دست داده است؛ وی معتقد است: هر آنچه را قومی یا ملتی در زمانی معین از تاریخ ادبی خود، کتاب‌های تاریخی دانسته‌اند، می‌توان آثار تاریخی قلمداد کرد.^۱ بر این اساس، درباره تاریخ‌های محلی نیز می‌توان ابراز داشت که آن دسته آثاری را که قومی یا ملتی در زمانی معین از تاریخ ادبی خود، نمونه‌های این نوع تاریخ‌نگاری دانسته‌اند، باید تاریخ‌هایی محلی به شمار آورد. البته مشکل پژوهشگر تاریخ‌های محلی این است که بنا به ماهیت پژوهش خود، با موضوعی متعلق به گذشته سروکار دارد و طبیعتاً همه اطلاعات لازم در اختیار او نیست. در توضیح این نکته باید اشاره کرد که از قلمداد شدن برخی آثار به عنوان تاریخ‌های محلی، گزارش‌هایی در دست است،^۲ اما درباره شماری دیگر، چنین اخبار و گزارش‌هایی به دست مانرسیده است. بنابراین، چاره‌ای باقی نمی‌ماند جز کند و کاو بیشتر درباره این موضوع:

درباره تاریخ‌نگاری محلی که می‌توان آن را معادل City History و Local History دانست و در زبان فارسی از آن با تعبیری دیگر مانند: «تاریخ بلدان»،^۳ «تاریخ شهرها و ولایت‌ها»^۴ و «تاریخ خصوصی» (در برابر تاریخ‌های عمومی)^۵ نیز یاد شده، تعریفی معین و

1. Rosenthal, *A History of muslim historiography*, p.17.

2. برای نمونه‌ای از فهرست‌های تاریخ‌های محلی در تمدن اسلامی ر.ک: ابن الخطیب، الاحاطة فی الاخبار غزناطه، ج ۱، ص ۷-۵؛ سخاوى، الاعلان بالتبیغ لمن ذم اهل التاریخ، ص ۲۸۹-۲۴۵؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الكتب والفنون، ج ۲، ص ۱۰۶ به بعد؛ برای فهرستی از بعضی تاریخ‌های محلی ایرانی ر.ک: ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۲۰؛ رافعی قزوینی، التدوین فی الاخبار قزوین، ج ۱، ص ۲۱. ۳. ابن فندق، همان، ص ۶۵.

4. همان، ص ۲۰. ۵. همان، ص ط از مقدمه بهمنیار.

کاملاً مورد قبول در دست نیست. این عدم اجماع، بهویژه درباره تاریخ‌نگاری محلی ایران بیشتر است، تا جایی که گفته‌اند: تاکنون هیچ اجماعی بر سر تعریفی که دربرگیرنده همه تاریخ‌های محلی ایرانی باشد، حاصل نشده است.^۱ با وجود این، ناچار باید در این‌باره بر تعریفی تکیه کرد.

به نظر نگارنده، عنصر اصلی در تعریف تاریخ‌نگاری محلی، تکیه بر اختصاصی بودن (به معنی جغرافیایی) این‌گونه آثار تاریخ‌نگاری در برابر انواع تاریخ‌های عمومی است؛ در تاریخ‌های عمومی، وقایع و شرح حال افراد، بدون توجه به قلمرو جغرافیایی خاصی گزارش می‌شود. در برابر این‌گونه کتاب‌ها، آثاری قرار می‌گیرند که به تاریخ و شرح حال مردم یک واحد جغرافیایی خاص (روستا، شهر یا استانی) اختصاص دارند و پا از دایره حوادثی که بر مردمان آنجا رفته، فراتر نمی‌نهند. برای مثال، می‌توان به کتاب الثار، نوشته ابوعلی سلامی (م^{۳۰۰}ق) اشاره کرد که به تاریخ روستای خوار از توابع بیهق اختصاص داشته است،^۲ نیز تاریخ بخارا، اثر ابوبکر نرشخی (م^{۴۸}ق) که تاریخ یک شهر به شمار می‌آید و سرانجام تاریخ طبرستان، از ابن اسفندیار (م بعد از ۱۳۶ق) که تاریخ یک ایالت قلمداد می‌گردد. تنها مقایسه عناوین این دسته آثار با عناوین تاریخ‌های عمومی ما را متوجه تفاوت دامنه موضوع و محتوای این‌گونه کتاب‌ها می‌سازد. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تاریخ محلی – در مقایسه با تاریخ عمومی – تاریخی است که با مزه‌های جغرافیایی خاصی محدود می‌شود.

۱-۲. محتوای تاریخ‌های محلی

تاریخ‌های محلی، معمولاً حاوی اطلاعاتی درباره جغرافیای محل، عجایب، فضایل، محاسن، تاریخ بنای شهر، بانی آن، سیر تحولات آن در گذر زمان، ابنيه و آثار موجود در محل، مزارات، مهم‌ترین حوادث سیاسی، اوضاع اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، رجال و شخصیت‌های سیاسی، علمی، ادبی و حتی اساطیر و افسانه‌های مربوط به یک شهر یا ایالت خاص هستند.

نکته مهم اینکه اگر پذیریم یک تاریخ محلی کتابی است که در آن از تاریخ یک واحد جغرافیایی خاص سخن گفته شده، باید اشاره کرد که این معنی نمی‌تواند بر همه کتاب‌هایی که در گذشته و حال به عنوان تاریخ‌هایی محلی شناخته شده‌اند، به طور یکسان صادق باشد.

1. Pourshariati, *Local Historiography in Early Medieval Iran and the Tarikh Baytag*, p.135.

2. ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۲۱.

در توضیح این نکته مهم باید به این واقعیت اشاره کنیم که این معنی در شماری از این آثار تجلی بیشتری پیدا کرده، ولی در شماری دیگر تقلیل یافته است. در این‌باره می‌توان محتوای آثاری مانند تاریخ قم، نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی (زنده در سده ۴ق)، تاریخ بخارا، نوشته ابوبکر نرشخی (م ۳۴۸ق)، تاریخ سیستان، اثر نویسنده‌ای ناشناس (متعلق به نیمه سده ۵ق) و فارسنامه، اثر ابن‌بلخی (زنده در نیمه اول سده ۶ق) را با کتاب‌هایی مانند تاریخ فتوح خراسان، نوشته سلمویه بن صالح لیشی (م ۲۰۰ق)، ذکر اخبار اصفهان، نوشته حافظ ابونعم اصفهانی (م ۴۳۰ق)، تاریخ استرآباد، نوشته ابوسعید ادریسی استرآبادی (م ۴۰۵ق) و تاریخ جرجان نوشته حمزه بن یوسف سهمی (م ۴۲۷یا ۴۲۸ق) مقایسه کرد. دسته اول آثار، شامل اطلاعاتی متنوع‌تر درباره شهرها و نواحی مورد نظر هستند، اما کتاب‌های دسته دوم اطلاعاتی محدود‌تر درباره شهر یا ناحیه مورد بحث خود دربر دارند؛ مثلاً تاریخ قم شامل اطلاعاتی گسترده درباره اوضاع سیاسی، اقتصادی، قومی، مذهبی و... این شهر است، تاریخ بخارا به تاریخ قبل و بعد از اسلام این شهر، محلات، مساجد، بازارها، کوی‌ها، کارگاه‌ها، امیران و حتی افسانه‌ها و اساطیر این شهر پرداخته است، تاریخ سیستان حاوی اطلاعاتی گسترده درباره تاریخ پیش از اسلام، مسائل سیاسی، مالی، زراعی، تجارتی، دینی، فرق مذهبی و... این منطقه است. فارسنامه ابن‌بلخی نیز شامل اخبار و اطلاعاتی درباره طبیعت و اقلیم فارس، نیکی‌های آن، سیره پادشاهانش، جغرافیای آن، کوره‌های آن و فتح آنها در دوره اسلامی، برخی سلسله‌های حکومتی فارس، مسائل مالی و... است، اما در برابر، تاریخ فتوح خراسان، اثر سلمویه، تنها حاوی اخبار فتح تمام یا بخش‌هایی از خراسان به دست اعراب مسلمان بوده است، در ذکر اخبار اصفهان، اگرچه در مقدمه، مطالبی مختصر درباره تاریخ، جغرافیا و فضایل و محسن اصفهان آمده، ولی مندرجات اصلی آن، معرفی و شرح حال محدثان اصفهانی از آغاز تا سده چهارم هجری است. از تاریخ استرآباد ادریسی گرچه نسخه‌ای در دست نیست، ولی به گزارش نویسنده‌ای که خود در سده ششم هجری به متان آن دسترسی داشته، این کتاب به شرح حال گروه کثیری از محدثان این شهر اختصاص داشته است،^۱ در مورد تاریخ جرجان، اثر سهمی نیز وضع به همین قرار است و موضوع اصلی این کتاب، به جز مقدمه بسیار مختصر آن درباره تاریخ جرجان، که حکم مدخل موضوع اصلی را دارد، گزارش شرح حال محدثان جرجانی است. برای تأکید تکرار می‌کنیم که در کتاب‌هایی از این دست، مطالبی نیز درباره تاریخ و فضایل و دیگر جنبه‌های شهرها و نواحی

۱. سمعانی، الانساب، ج ۵، ص ۲۲۴.

مورد نظر مندرج است، ولی حجم این مطالب در مقایسه با موضوع اصلی ناچیز است و این مطالب مجمل و مختصر نیز عمدتاً به عنوان مقدمه و مدخل موضوع اصلی، در ابتدای کتاب گنجانده شده‌اند.

۳-۱. تاریخ‌نگاری محلی ایران

براساس آنچه گفتیم، مراد از تاریخ‌نگاری محلی ایران، همه فعالیت‌های مورخانی است که به آفرینش آثاری مکتوب درباره شهرها و نواحی ایران به صورت خاص پرداخته‌اند و نزد مؤلف و زبان اثر در این میان نقشی ندارند. اما «ایران» در این تحقیق، منطقه‌ای است تقریباً منطبق بر قلمرو ساسانیان که مردمی با فرهنگ، زبان و ادبیاتی کم و بیش مشترک در آن می‌زیستند، اگرچه زبان‌ها و خردکاری‌هایی دیگر نیز در این محدوده حضور داشتند. این‌چنین می‌توان منطقه‌ای گسترده میان دو حوزه جغرافیایی بین‌النهرین تا ماواراء‌النهر را مورد نظر قرار داد.

بر آنچه گفتیم باید نکته‌ای مهم را افزود: به آن دلیل که در دوره اسلامی نمی‌توان مرزهای روشنی برای ایران معین کرد و اصولاً تا قرن‌ها پس از ظهور اسلام، از ایران، به عنوان یک واحد سیاسی خبری نبوده است، راهی جز تکیه بر آنچه پیش از اسلام جریان داشت، باقی نمی‌ماند. در دوره ساسانیان، کشور ایران را ایرانشهر می‌گفتند که دربرگیرنده قلمرو این دولت بود. ابن‌رسته (جغرافی نویس سده ۴ق) شرحی دقیق از مناطق و شهرهای تشکیل‌دهنده ایرانشهر به دست داده است. به گفته او ایرانشهر شامل دوازده استان یا ایالت بوده است: خراسان، سجستان، کرمان، فارس، اهواز، جبل (جبال)، سورستان (عراق)، آذربایجان، ارمینیه، موصل، جزیره و شام. وی سپس توابع هر یک از این استان‌ها یا ایالات را نیز بر شمرده است.^۱ به نظر می‌رسد اگر مبنای تسلط سیاسی حکومت ایران بر این مناطق و نواحی باشد، باید یمن را نیز بر این فهرست افزود؛ از آن‌رو که این منطقه در واپسین دهه‌های عمر دولت ساسانی به تصرف ایرانیان درآمد. از آن طرف تسلط ساسانیان بر شهرها و نواحی آن سوی جیحون ثابت نبود و برخی از نویسنده‌گان، مرز دولت ساسانی را در این منطقه رود جیحون ثبت کرده‌اند.^۲ البته تعریف‌های محدودتری نیز از قلمرو ایرانشهر

۱. ابن‌رسته، اعلاق النفیسه، ص ۱۲۱-۱۲۳. روشن است که ابن‌رسته از نامهای رایج در دوره اسلامی استفاده کرده است.

۲. زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۴۹۶.

صورت گرفته است؛ برای مثال، یاقوت حموی به نقل از ابوریحان بیرونی آورده است که ایرانشهر شامل عراق و فارس و جبال و خراسان بوده است.^۱ اما در این تحقیق ضمن نظر داشتن به این مرزها و مناطق به عنوان قلمرو سیاسی ایران، مبنایی دیگر نیز مورد توجه قرار داشته است و آن نفوذ و رواج زبان و فرهنگ ایرانی است. به این معنی که آن بخش از قلمرو سیاسی ساسانیان که زبان و فرهنگ ایرانی در آن رواجی نداشته، جزء ایران قلمداد نگردیده است. بر این اساس، مناطق ارمینیه، جزیره، موصل، شام و یمن از دایره بحث و بررسی این تحقیق خارج شده‌اند؛ زیرا این مناطق هیچ‌گاه شاهد تسلط زبان و فرهنگ ایرانی نبوده‌اند و اصولاً مناطقی مانند ارمینیه، شام یا یمن را که واحدهای سیاسی و فرهنگی مستقل و شناخته شده‌ای هستند، تنها به دلیل تسلط سیاسی ایرانیان در دوره‌هایی بر آنها، جزء قلمرو فرهنگی ایران دانستن و میراث تاریخ‌نگاری آنها را جزئی از میراث تاریخ‌نگاری ایران قلمداد کردن، ناصواب می‌نماید. جز این باید اضافه کنیم که به مرزهای سیاسی ایران در حوالی جیحون نیز بسته نشده است و با در نظر گرفتن عامل زبان و فرهنگ، شهرها و نواحی آن سوی رودخانه را که از دیرباز یکی از مراکز اصلی زبان و فرهنگ ایرانی به شمار آمده‌اند، جزء قلمرو فرهنگی ایران دانسته‌ایم. از آنجا که این شهرها و نواحی در دوره‌هایی که تحت تسلط سیاسی ایران بوده‌اند، تابع خراسان قلمداد شده‌اند،^۲ در این کتاب، میراث تاریخ‌نگاری آنها، ذیل تاریخ‌های خراسان گنجانده شده است.

۱-۴. پیشینه و تاریخچه موضوع

یکی از قدیمی‌ترین کسانی که فهرستی هر چند ناقص از تاریخ‌های محلی ایران به دست داده، ابوالحسن علی بن زید بیهقی مشهور به ابن‌فندق (م ۵۶۵ق) است. ابن‌فندق در مقدمه کتاب تاریخ بیهق، هفده تاریخ محلی ایران را معرفی کرده و گاه درباره آنها توضیحی مختصراً آورده است. روشن است که مطالب ابن‌فندق به رغم اختصار، به دلیل قدمت آنها از اهمیتی بسیار برخوردار است، از دیگر نویسنده‌گانی که در همان سده‌ها فهرستی از تاریخ‌های محلی ایرانی به دست داده، عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی (م ۲۳۶ق) است که در مقدمه کتاب التدوین فی الاخبار قزوین، دوازده عنوان را به اختصار تمام و بدون توضیحی برشمرده است. به هر حال فهرست رافعی قزوینی نیز با وجود ناقص بودن و اختصار بیش از اندازه

۱. یاقوت، معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۲. ابن‌رسته، اعلاق النفیسه، ص ۲۸۹.

(حتی در تعداد کلمات)، به لحاظ قدمت آن حائز اهمیت است، ابن الخطیب (م ۷۷۶ق) در مقدمه کتاب الاحاطة فی اخبار غرناطه، شماری از تاریخ‌های محلی شهرها و بلاد اسلامی و از آن جمله دوازده عنوان تاریخ محلی شهرها و نواحی ایران را به اختصار تمام (با ذکر نام کتاب و نویسنده آن) معرفی کرده است. کار ابن الخطیب هم به دلیل قدمت و هم به دلیل ثبت نام‌های دیگری از برخی تاریخ‌های محلی ایران، مهم تلقی می‌گردد. نویسنده مشهور سده نهم هجری، عبدالرحمن سخاوی (م ۹۰۲ق)، در کتاب الاعلان بالتوییخ لمن ذم اهل التاریخ بخشی را به تاریخ‌های محلی اختصاص داده و در آن از ۵۳ تاریخ محلی ایران نام برده و گاه درباره آنها توضیحاتی مختصر آورده است. ارزش این فهرست در درجه اول ناشی از تفصیل نسبی آن در مقایسه با فهرست‌های مختصر بیهقی و رافعی است. موجود نبودن بسیاری از این کتاب‌ها نیز بر اهمیت فهرست سخاوی می‌افزاید. توضیحات وی نیز به رغم اختصار، دارای مطالبی مهم درباره این آثار است. پاورقی‌های دقیق فرانتس روزنتال بر مطالب این فهرست نیز حاوی نکاتی سودمند درباره این آثار و نویسنندگان آنهاست. حاجی خلیفه (م ۱۰۶۷ق) نیز در کشف الظنون ضمن برشمودن بسیاری از تاریخ‌هایی که در طول تاریخ اسلام نگارش یافته‌اند، از تعدادی تاریخ محلی ایران نام برده و گاه درباره آنها توضیحاتی مختصر آورده است. از کشف الظنون نیز می‌توان برای تکمیل فهرست تاریخ‌های محلی ایران سود برد، هر چند در استفاده از کتاب حاجی خلیفه باید دقت به خرج داد، زیرا مطالب او درباره برخی عناوین، موضوعات و نویسنندگان این آثار، از خلط و اشتباه خالی نیست.^۱

اما در میان معاصران، پیش از همه باید به روزنتال اشاره کرد که در بخش پنجم کتاب خود *A History of Muslim Historiography*^۲ جامع‌ترین بحث را درباره تاریخ‌های محلی در قلمرو اسلام صورت داده است. وی در این فصل به انگیزه‌های تأثیف این دسته تاریخ‌ها،

۱. برای نمونه، می‌توان به اشتباهی اشاره کرد که وی درباره ثقة‌الدين ابوالنصر (ابوالنصر) عبدالرحمن بن عبدالجبار بن عثمان بن منصور فامي (۴۷۲ق-۵۴۹ق) مرتکب شده و ابوالنصر عبدالرحمن بن عبدالجبار را فردی غیر از ثقة‌الدين عبدالرحمن فامي دانسته و به هریک از آن دو، تاریخی درباره هرات نسبت داده است. وی همچنین کتاب فامي را اولین کتاب در تاریخ هرات دانسته است (حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسمی الکتب والفنون، ج ۲، ص ۱۵۷)، ولی می‌دانیم چنین نیست و کتاب‌هایی مانند تاریخ هرات بزاو و نیز تاریخ احمد بن محمد حدّاد پیش از این نوشته شده بودند.

۲. این کتاب با این مشخصات به فارسی ترجمه شده است: تاریخ تاریخنگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.

انواع آنها، کاربردها، ویژگی‌ها و سیر تغییرات آنها در سرزمین‌های مختلف اسلامی پرداخته است. روزنتمال در این فصل، جایه‌جا از تاریخ‌های محلی ایران نیز سخن گفته و به مناسبت به معرفی برخی از آنها پرداخته است. مهم‌ترین کار او، تقسیم تاریخ‌های محلی در تمدن اسلامی به دو دسته دینی^۱ و دنیوی^۲ است. نظرات و تحلیل‌های وی و بهخصوص تقسیم‌بندی او از این آثار همچنان تا به امروز اعتبار خود را حفظ کرده است، بروکلمان^۳ نیز در تاریخ الادب العربی هنگام معرفی آثار تاریخی، فصلی را به کتاب‌های تاریخ محلی اختصاص داده و در آن فهرستی مختصر از این‌گونه کتاب‌ها، از جمله شماری از تاریخ‌های محلی ایران، آورده و درباره آنها توضیحاتی مجمل داده است. وی در ذیل کتاب‌های حدیث نیز از شماری آثار تاریخ‌نگاری محلی ایران که به شرح حال محدثان برخی شهرها و نواحی ایران اختصاص داشته‌اند، نام برده است. جز این باید از فؤاد سرگین نام برد که در کتاب تاریخ التراث العربي فصلی جداگانه را به تاریخ‌های محلی اختصاص داده و از آن جمله به تاریخ‌های محلی شهرها و نواحی ایران پرداخته است. سرگین به معرفی یازده تن از نویسندهان تاریخ‌های محلی ایران و آثار آنان پرداخته است. وی درباره این کتاب‌ها به اختصار تمام، به برخی منابعی که از آنها نام برده و یا نقل قولی از آنها صورت داده‌اند، بسنده کرده است.^۴ یک اثر منحصر به‌فرد کتاب التواریخ المحلیة لاقليم خراسان، اثر نویسنده معاصر عراقی، قحطان عبدالستار الحدیثی است، که به رغم اجمال و اختصار، به دلیل آنکه تنها کتابی است که در این زمینه نوشته شده، دارای اهمیت است. این کتاب در واقع فهرستی ناقص از تاریخ‌های محلی خراسان همراه با شرح و توضیحاتی مجمل درباره آنهاست و مطالب آن را می‌توان در حدّ یک مقاله و نه یک کتاب جامع ارزیابی کرد. از نویسندهان ایرانی، صادق آئینه‌وند در کتاب علم تاریخ در اسلام و نیز نسخه جدید آن، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، به شماری اندک از این دسته آثار و نام مؤلفان آنها اشاره کرده است. از دیگر نویسندهان معاصر، یعقوب آژند در کتاب تاریخ‌نگاری در ایران، که شامل مجموعه‌ای از مقالات درباره دوره‌های مختلف تاریخ‌نگاری ایران است، مقاله‌ای با عنوان «تاریخ‌نگاری محلی ایران» نوشته و ضمن ارائه نظرات و تحلیل‌هایی مجمل در این‌باره، شماری از این آثار را به اختصار معرفی کرده است.

1. Secular Local Historiography.

2. Theological Local Historiography.

3. Brokelman

4. سرگین، تاریخ التراث العربي، ج ۱، الجزء الثاني، ص ۲۲۳-۲۲۹.

این مقاله حاوی تحلیل‌هایی شتابزده است. جز این می‌توان به مقاله «تواریخ طبرستان و یادداشت‌های ما» از احمد کسری (مندرج در کاروند) اشاره کرد که فهرستی از تاریخ‌های این ایالت به دست داده و آن را با نظرات و تحلیل‌هایی دقیق و موشکافانه همراه کرده است و نیز مقاله «مؤلف تاریخ بخارا کیست؟ نوشته برخی یا برخی؟»، نوشته بشار عواد معروف، که به لحاظ موضوع، مقاله‌ای مهم به شمار می‌آید. از مقالات «تاریخ سیستان» نوشته منوچهر پژشک و «تاریخ بیهق» نوشته یوسف هادی (مندرج در داشره المعارف بزرگ اسلامی) نیز می‌توان نام برد. آنچه به مقاله یوسف هادی اهمیت بخشیده، این است که وی مترجم این کتاب به زبان عربی است و درباره آن به تحقیقاتی گسترده دست زده است. از این‌رو مقاله او مفید و خواندنی و در مواردی حاوی نظراتی مهم است. رسول جعفریان نیز در مقاله «میراث فرهنگی شیعه در تاریخ محلی و جغرافیا» (مندرج در مجله آینه پژوهش، ش ۴۳) از دو کتاب تاریخ ری آبی و تاریخ ری منتخب‌الدین سخن گفته است. اما جامع‌ترین اثر به زبان فارسی درباره این موضوع، مجموعه مقالاتی است که در مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (شماره‌های ۴۵-۴۶ و ۴۷-۴۸) منتشر گردیده است. این شماره‌ها دربرگیرنده مقالاتی متعدد درباره تاریخ‌های محلی ایران از آغاز تا دوره معاصر هستند. از آن جمله می‌توان به مقاله «تاریخ قم در قرون وسطاً-ابعاد سیاسی و اقتصادی» نوشته آندریاس درشلر،^۱ ترجمه سجاد جعفریان، مقاله «شرح و گزارشی از تاریخ قم» اثر لمبتون،^۲ ترجمه نصرالله امامی و مقاله «جلوه‌های تاریخ اقتصادی ایران در کتاب تاریخ قم» نوشته منوچهر چهرازی اشاره کرد. نویسنده‌گان این مقالات، عمدها به بررسی اطلاعات اقتصادی مطرح شده در این کتاب پرداخته‌اند و کار آنان از پاره‌ای مطالب تکراری خالی نیست. همچنین می‌توان از مقاله «تاریخ نیشابور» اثر اکرم صفائی و مقاله مفید «ارزیابی موقعیت اسماعیلیان فارس در فارسنامه ابن‌بلخی» نوشته علی رضاییان نام برد. جز این باید به مقاله «تاریخ شهری و موقعیت تاریخ‌های محلی در تاریخ‌نگاری ایرانی»، نوشته عبدالرسول خیراندیش اشاره کرد که مقدمه این شماره از مجله است. سطح مقالات این مجموعه البته یکسان نیست، ولی اطلاعاتی مفید-به‌خصوص درباره انواع تاریخ‌های محلی-در آنها ارائه گردیده است. نقص این مجموعه در آن است که اصولاً مطالب آن ناظر به تاریخ‌های محلی موجود است و از شمار کثیری از این دسته کتاب‌ها که نسخه‌هایی مستقل از آنها در دست نیست، غفلت شده است.

1. Andreas Drechler

2. Lembtton

اما گذشته از این، باید به مقدمه‌هایی اشاره کرد که تصحیح‌کنندگان نسخه‌های موجود برخی تاریخ‌های محلی بر این کتاب‌ها نوشته‌اند و معمولاً حاوی مطالبی جامع درباره نویسنده‌گان، نسخه‌های کتاب، افتادگی‌ها و اضافات نسخ، ویژگی‌های محتوایی و ادبی این کتاب‌ها، ترجمه‌های آنها و... هستند. از آن جمله می‌توان به مقدمه محمدتقی بهار بر تاریخ سیستان، مقدمه احمد بهمنیار بر تاریخ یهق، مقدمه عباس اقبال بر تاریخ طبرستان، مقدمه ددرینگ^۱ بر ذکر اخبار اصفهان، نیز مقدمه نورالله کساپی بر ترجمه همین کتاب، مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی بر عقد العلی للموقف الاعلی، مقدمه برالبلوشه بر طبقات المحدثین باصفهان، مقدمه مهدی بیانی بر نسخه‌ای ترتیب داده شده از بداعی‌الازمان، مقدمه عباس اقبال بر المضاف الى بداعی‌الازمان، مقدمه سید جلال‌الدین طهرانی بر محاسن اصفهان و مقدمه عباس اقبال بر ترجمه همین کتاب، مقدمه مدرس رضوی بر تاریخ بخارا، مقدمه‌های محمد‌کاظم محمودی بر دو نسخه مختصر السیاق لتأریخ نیشابور، مقدمه عبدالرحمن بن یحیی الیمانی بر تاریخ جرجان، مقدمه‌های سید جلال‌الدین طهرانی و محمد رضا انصاری قمی بر دو چاپ تاریخ قم و مقدمه شفیعی کدکنی بر تاریخ نیشابور اشاره کرد. جز این باید به مطالب مقدمه و بخش‌های اول و دوم کتاب تازه انتشار یافته اخبار ولاده خراسان سلامی اشاره کرد که به کوشش دکتر محمدعلی کاظم‌یکی فراهم آمده است. بخش اول این اثر به بحث و بررسی درباره مؤلف اخبار ولاده خراسان اختصاص یافته، اما در بخش دوم و در ذیل عنوان «تواریخ محلی خراسان» نویسنده حاصل جستجوی گسترده و دقیق خود را در این‌باره ارائه کرده است. این بخش شامل مطالبی مفید و ارزشمند درباره تاریخ‌نگاری محلی در خراسان از آغاز تا عصر سلامی یا به گفته نویسنده سلامی‌است.

از جمله آثاری که درباره تاریخ‌های محلی ایران به زبان انگلیسی نگاشته شده‌اند، می‌توان از مقاله‌های منتشر شده در مجله *Iranian Studies*, no.1-2, vol.33, Winter/Spring, 2000 از مقاله‌های منتشر شده در مجله *Iranian Studies*, no.1-2, vol.33, Winter/Spring, 2000 نام برد که در آنها علاوه بر بیان کلیاتی درباره تاریخ‌نگاری محلی ایران، به معرفی موردی برخی از این آثار پرداخته شده است. آنچه به این مقالات اهمیت می‌بخشد، دیدگاه دقیق و نگاه متفاوت نویسنده‌گان آنها (در مقایسه با بعضی آثار فارسی) نسبت به تاریخ‌های محلی مورد نظر است. برای مثال، مقاله شماره ^۶، که به محاسن اصفهان اختصاص دارد، حاوی بررسی جالبی درباره داستان‌های این کتاب است. مقالات مورد نظر در این مجموعه عبارت‌اند از:

1. Dederling

1. Bosworth, C. Edmund, "Sistan and its Local Histories".
2. Melville, Charles, "The Caspian Provinces, A World A Part Three Local Histories of Mazandaran".
3. Melville, Charles, "Persian Local Histories. View from the Wings".
4. Werner, Christoph, "The Amazon, the Sourees of the Nile, and Tabriz, Nader Mirzās Tařikh va Jug̫rafi-ŷi dar yi Tabriz and the Local Historiography of Tabriz and Azarbaijan".
5. Julie Scott, Meisami, "History as Literature".
6. Jurgen, Paul, "The Histories of Isfahan, Mafarruki's Kitab Mahāsin Isfahan".
7. Jurgen, Paul, "The Histories of Herat".
8. Pourshariati, Parvaneh, "Local Historiography in Early Medieval Iran and the Tarikh-i Bayhag".

۱-۵. اهمیت پژوهش در تاریخ‌نگاری محلی ایران

درباره اهمیت و ارزش تحقیق درباره تاریخ‌های محلی ایران می‌توان بسیار سخن گفت، اما به نظر نگارنده ارزش تحقیق حاضر بیش از هر چیز در نو بودن و جامعیت آن است. تاریخ‌نگاری محلی ایران تاکنون –دستکم در زبان فارسی– به صورت جامع و به تفصیل بررسی نشده است. از این‌رو، این پژوهش می‌تواند نخستین تحقیق فراگیر درباره تاریخ‌نگاری محلی ایران به زبان فارسی قلمداد شود. درباره فواید تحقیق در تاریخ‌نگاری محلی ایران می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) شناخت بخشی مهم از جریان تاریخ‌نگاری اسلامی- ایرانی. در دنیای اسلام و از جمله ایران، تاریخ‌های محلی هم به لحاظ محتوا و هم از نظر تعداد، آثاری مهم به شمار می‌آیند. با وجود این، کسانی که تاکنون درباره تاریخ‌نگاری اسلامی و ایرانی به تحقیق پرداخته‌اند، در مقایسه با تاریخ‌ها و یا فرهنگ‌نامه‌های عمومی، توجه چندانی به این آثار نکرده‌اند. شاهد این ادعا، شمار اندک آثاری است که در این‌باره نوشته شده و ما به مهم‌ترین آنها اشاره کردیم، ضمن اینکه از میان همین آثار نیز، تنها تعداد کمی را می‌توان پژوهش‌هایی مستقل به شمار آورد. در این پژوهش به این بخش مهم از آثار تاریخ‌نگاری اسلامی و ایرانی پرداخته خواهد شد تا کمبود موجود در این‌باره تا حدی جبران گردد.

ب) تأکید بر استفاده از منابعی که در تلویین تاریخ ایران و اسلام کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. بسیاری از نویسندهای تاریخ اسلام و ایران، معمولاً برای فراهم آوردن اطلاعاتی درباره موضوع کار خود، به شناخته شده‌ترین تاریخ‌ها که همانا تاریخ‌ها با شرح حال‌های عمومی هستند، مراجعه و مطالب مورد نیاز خود را از این آثار برمی‌گیرند و اصولاً از منابعی از قبیل تاریخ‌های محلی کمتر استفاده می‌کنند. در دست نبودن نسخه‌های کافی از این آثار، بر غفلت نویسندهای تاریخ‌ها افزوده است. این در حالی است که تاریخ‌های محلی موجود، حاوی اطلاعاتی جزئی و دقیق درباره اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دینی و مذهبی شهرها و نواحی هستند و گاه اطلاعاتی منحصر به فرد درباره رجال و شخصیت‌های تاریخی به دست می‌دهند^۱ و حتی نقل قول‌های پراکنده باقی مانده از این آثار نیز در مواردی از اهمیتی ویژه برخوردارند. یکی از اهداف این پژوهش معرفی بیشتر این آثار جهت جلب توجه پژوهشگران تاریخ اسلام و ایران به آنهاست. با ابراز این امیدواری که این کار بتواند به افزایش شمار ارجاعات محققان تاریخ اسلام و ایران به چنین آثاری بینجامد. یکی از نتایج این کار، فراهم آمدن زمینه‌ای برای بازسازی برخی تاریخ‌های محلی، براساس نقل قول‌های گسترده‌ای است که از آنها در دیگر منابع و مأخذ به جا مانده است.

ج) کمک به جریان تاریخ‌نگاری محلی معاصر از طریق معرفی الگوها، روش‌ها و سبک‌های کلاسیک این نوع تاریخ‌نگاری. نگارش تاریخ‌های محلی در بیشتر دوره‌های تاریخ ایران جریان داشته و هم‌اکنون نیز از رواج و رونق برخوردار است. از سوی دیگر، بسیاری از کسانی که با هدف نوشتمن چنین آثاری دست به قلم می‌برند، از پیشینه این دسته آثار، سبک و سیاق آنها، شأن و جایگاه نویسندهای این کتاب‌ها و در یک کلام، تاریخ تاریخ‌نگاری محلی ایران، چندان اطلاعی ندارند و در بسیاری موارد، این تنها علاقه به شهر و دیار خویش (حبّ الوطن) است که هم به عنوان انگیزه و هم به عنوان دست‌مایه نویسندهای این آثار عمل می‌کند. نتیجه این فرایند، خلق آثاری نه چندان قوی در این عرصه است که گاه زیان‌شان بیش از سود آنهاست. از آنجا که در هر صورت نمی‌توان چنین کسانی را از نوشتمن چنین آثاری بازداشت، به نظر می‌رسد باید کوشید از طریق تبیین روش‌ها و سبک‌های این آثار و جایگاه علمی نویسندهای آثار کهنه در تاریخ محلی شهرها و نواحی ایران، به بالا بردن اطلاعات و

۱. زرین‌کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، مقدمه، ص.۵۸.

بینش علمی و تاریخی نویسنده‌گانی که هم‌اکنون یا در آینده به نوشتن این آثار می‌پردازند، کمک کرد.

۱-۶. کاربرد نتایج پژوهش در تاریخ‌نگاری محلی ایران

نتیجه این پژوهش در وهله اول می‌تواند به عنوان متنی مکتوب در این‌باره، کمبودی را که به صورت عام در این زمینه احساس می‌شود برطرف سازد. این متن حتی می‌تواند به عنوان یک متن درسی و کمک درسی برای دروسی مانند مأخذشناسی تاریخی، نقد و بررسی منابع، تاریخ‌نگاری محلی و... مورد استفاده قرار گیرد. در عرصه‌های غیر دانشگاهی نیز عموم علاقه‌مندان به تاریخ ایران و نیز افراد و مراکزی که در زمینه تاریخ شهرها و نواحی ایران فعالیت دارند، می‌توانند از نتیجه آن استفاده برنند. رسانه‌ها نیز می‌توانند از متن این تحقیق به عنوان مبنای برای تهیه برنامه‌هایی درباره شهرها و نواحی مختلف ایران سود جوینند. شناخت تاریخ‌های محلی ایران همچنین می‌تواند دست‌مایه‌ای مناسب برای برنامه‌ریزان توسعه محلی در شهرها و نواحی مختلف باشد.

۱-۷. پرسش‌ها و فرضیه‌ها

گرچه در این تحقیق به مسائل بسیاری درباره تاریخ‌های محلی ایران پرداخته شده، ولی به صورت خاص در پی یافتن پاسخ برای این پرسش‌ها بوده‌ایم:

۱. تاریخ‌نگاری محلی ایران از چه زمانی آغاز شد؟^۱

۲. تاریخ‌نگاری محلی ایران تحت تأثیر چه عوامل و انگیزه‌هایی شکل گرفت؟

۳. انواع تاریخ‌نگاری محلی ایران کدام‌اند؟

۴. دوره‌های تاریخ‌نگاری محلی ایران کدام‌اند؟

۵. مخاطبان تاریخ‌های محلی ایران چه کسانی بوده‌اند؟

اما در خصوص فرضیه‌های مطرح در این پژوهش، باید به این نکته اشاره کنیم که در تحقیقات تاریخی، ترتیب دادن فرضیه، چندان معمول نیست، با وجود این، طرح فرضیه اگر با دقت صورت گیرد، می‌تواند در تنظیم برنامه تحقیق، جهت دادن به ذهن و مطالعات

۱. اهمیت این سؤال در آن است که به نظر نگارنده، نظر مشهور درباره آغاز این نوع تاریخ‌نگاری در سده‌های سوم یا چهارم هجری مقرن به صحت نیست.